

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

سارا نیکو
۲۱ می ۲۰۱۹

فریاد دانشجویان علیه دو ارتجاع در هم تنیده

پس از اوج گیری خیزش های عظیم مردمی در دی ماه [جدی] سال ۱۳۹۶، ما شاهد بروز آگاهی ها و عملکردهای طبقاتی چشمگیری در عرصه های مبارزات توده های تحت ستم ایران می باشیم. مبارزات زنان ایران برای رسیدن به آزادی و برابری و رفع هر گونه تبعیض یکی از ارکان مهم و حیاتی تداوم این مبارزات می باشند که امروز بیش از پیش بار طبقاتی خود را آشکار ساخته و آن چه را در بطن خود داشت، در معرض دید قرار می دهد. اگر این واقعیتی است که مبارزه زنان برای تحقق خواسته های بحق خویش بدون مبارزه علیه ارتجاع (هم جمهوری اسلامی و هم امپریالیست های سلطه گر) و بدون پیوند با دیگر مبارزات انقلابی جامعه نمی تواند ره به جایی ببرد، ما جلوه ای از این واقعیت را امروز در مبارزات شکوهمند دانشجویان شاهدیم.

در ۲۳ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۸، دانشجویان هنرهای زیبای دانشگاه تهران در اعتراض به تحمیل حجاب اجباری و اجرای "طرح حجاب و عفاف" به یک تجمع اعتراضی دست زدند و با طرح شعارهایی چون "نان، کار، آزادی - پوشش اختیاری"، "بیکاری، بیگاری، حجاب اجباری"، "علی نژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد"، نه تنها درجه آگاهی خود از ریشه های واقعی ستم در جامعه دیکتاتور زده ایران را نشان دادند، بلکه به ایجاد پیوند بین مبارزه برای یکی از خواست های برجسته زنان یعنی آزادی پوشش با مبارزه برای نان، کار و آزادی که شعار اکثریت مردم ایران یعنی کارگران و زحمتکشان می باشد، دست زدند. آنها همچنین رابطه حجاب اجباری با بیکاری و بیگاری (که اشاره به استثمار کارگران و در عین حال به جیب زدن دستمزد تعیین شده آنها توسط سرمایه داران تحت حمایت رژیم است) را به جامعه اعلام کرده و کلاً نشان دادند که هیچ دیواری بین مبارزه زنان جهت رفع حجاب اجباری و مبارزه برای خواسته های اقتصادی و طبقاتی دیگر ستمدیدگان وجود ندارد.

دانشجویان مبارز دانشگاه تهران در شرایطی مبارزات خود را به صحن دانشگاه کشاندند که رژیم جمهوری اسلامی هر صدای معترضی را با تهدید و شکنجه و زندان پاسخ می دهد. طرح شعارهای رادیکال و پر محتوایی که از سوی دانشجویان مطرح و فریاد زده شد، نشان دهنده عمق آگاهی آنان از ماهیت واقعی دشمنان شان می باشد. آنها با شعار "اصول گرا، اصلاح طلب، دیگه تمومه ماجرا" از یک طرف در واقع خواهان سرنوشتی جمهوری اسلامی شدند و از طرف دیگر با دست نوشته هایی روی بنرهای سرخ خود: "علی نژاد، گشت ارشاد، یکی با دوربین، یکی با چماق، هر دو یک سوی ارتجاع، علیه جنبش زنان!" و "علی نژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد"،

ضدیت بحق خود علیه امپریالیسم امریکا و همه مرتجعینی را که دوربین و رسانه در اختیار علی نژاد گذاشته اند، برملا ساختند.

در بطن مبارزات دانشجویان، ما بار دیگر شاهد مبارزات متحدانه زنان و مردانی بودیم که علی رغم تمامی سنگ افکنی هائی که توسط نیروهای لیبرال و سازشکار در جهت جدا ساختن مبارزات زنان از سایر مبارزات اجتماعی صورت می پذیرد، دوشادوش هم، کلیت سیستم ظالمانه حاکم و امپریالیسم و ارتجاع جمهوری اسلامی را توأمأ مورد تعرض خویش قرار دادند. آنها به این وسیله مهر باطل بر آموزش های گمراه فمنیست هائی زدند که جنبش زنان را جنبشی درخود و مستقل از دیگر جنبش های اجتماعی تصویر کرده و رهائی زنان را بدون مبارزه برای سرنوینی جمهوری اسلامی و قطع قطعی هرگونه نفوذ امپریالیسم در ایران، ممکن قلمداد می کنند. به این ترتیب دانشجویان مبارز یک بار دیگر در عمل نشان دادند که واقعاً "فرزند کارگرانند، کنارشان می مانند".

در روز تظاهرات دانشجویان آگاه و مبارز، جمهوری اسلامی با گسیل جیره خواران خود به درون دانشگاه تلاش کرد که با عربده کشی های آنان به نفع رژیم، بر مبارزات دانشجویان سایه افکند. اما این حرکت ارتجاعی با هشیاری دانشجویان مبارز که به پخش ویدئو و عکس هائی از چهره های این جیره خواران پرداختند، مواجه شد. عکس ها و ویدئوها نشان دادند که آنها نیروهای وارداتی سرکوبگر رژیم با لباس شخصی همراه با دانشجویان بسیجی بودند که جهت تضعیف و تفرقه در صفوف دانشجویان مبارز به آن محل اعزام شده بودند. دانشجویان مبارز در مقابل این نیروهای سرکوبگر وارداتی فریاد می زدند: "بسیجی، بسیجی، کارت دانشجویی ات کو؟"، "بسیجی مرتجع، حیا کن، دانشگاه را رها کن!"

جنبش دانشجویی همواره منعکس کننده فضای مبارزاتی و خواسته های مطرح در جامعه بوده است. از این رو شعارها و خواست هائی که در جریان اعتراضات در دانشگاه توسط قشر آگاه دانشجویان مطرح می شوند اغلب به دانشگاه محدود نبوده و بیانگر آن چه در بطن جامعه می گذرد، می باشند. این امر در جریان مبارزات اخیر دانشجویان دانشگاه تهران نشان داده شد. در مبارزات این دانشجویان، طرح شعارهائی که موضوع رهائی زنان از قید حجاب و پوشش اجباری را با معضل فقر و گرسنگی و بیکاری گره می زنند، نشان دهنده خواست انقلابی در بطن جامعه در جهت تغییرات بنیادی، جهت پایان دادن به ریشه های بی حقوقی زنان به مثابه یکی از ارکان مهم تداوم سلطه ظالمانه نظام سرمایه داری حاکم می باشد.

یکی دیگر از نقاط برجسته در این اعتراضات، شعاری بود که توسط دختران دانشجو بر پلاکارد سرخ رنگی نوشته شده بود: "علی نژاد، گشت و ارشاد، یکی با دوربین، یکی با چماق، هر دو یک سوی ارتجاع، علیه جنبش زنان"، با طرح این شعار بسیار درست، دانشجویان مبارز، به عینه خط و مسیر انقلابی خود را از مهره های شناخته شده ای چون مسیح علی نژاد جدا ساختند و به واقع نشان دادند که اگر گشت ارشاد و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی با چماق و زندان و شکنجه، مبارزان را به بند می کشند و جلو پیشروی مبارزات انقلابی آن ها را می گیرند، علی نژاد نیز با سوء استفاده از ستم هائی که در جامعه تحت سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر زنان اعمال می شود، و مصادره مبارزات بحق زنان ایران برای رسیدن به آزادی و رهائی، آن سوی دیگر ارتجاع می باشد. چرا که وی با حمایت قدرت های امپریالیستی، "دوربین مخفی اش" را جایگزین "سلاح" برای جلوگیری از نابودی کلیت رژیم جمهوری اسلامی و از بین بردن سیستم سرمایه داری در ایران نموده است، کسی که در پشت خواست بحق زنان برای رهائی از پوشش اجباری سنگر گرفته و با حيله و فریبکاری می کوشد لبه تیز مبارزات زنان علیه دو ارتجاع به هم تنیده جمهوری اسلامی و امپریالیسم را کند نماید و با محدود کردن

مبارزات زنان صرفاً به رفع حجاب اجباری، جنبش زنان ایران را در جهت رهایی از ظلم ها و ستم های بی حدی که بر آنان می رود، سلاخی نماید.

دیدن شعارهای سرخ و رادیکال دانشجویان مبارز، در عین حال موجب پریشان حالی فرصت طلبانی شده است که به خصوص در این چند سال اخیر، از برکت سفره های آلوده بی بی سی، صدای امریکا، من و تو ووو... صدائی پیدا کرده اند. برخی از آنها که خود را چپ می نامیدند (و یا هنوز هم می نامند) ولی کاملاً فاتحه جنبش های انقلابی و چپ را در جامعه خوانده اند به خصوص از طرح شعار علیه مسیح علی نژاد بر آشفته گشته و دانشجویان را به خاطر موضع گیری علیه او سرزنش می کنند. آنها فغان سر داده اند که گویا با آن موضع گیری در صف متحد مردم اخلال ایجاد می شود!! گوئی امثال علی نژاد ها حتی لحظه ای از حیات سیاسی شان در صف مردم بوده اند!

ماهیت علی نژاد همیشه برای نیروهای انقلابی و مردم آگاه و هشیار روشن بوده و هست. هیچ کس خدمات و سر سپردگی علی نژاد را به اصلاح طلبان حکومتی و نقشی را که او از زمان ورود به خارج از کشور در جهت تطهیر چهره بخشی از جانیان حاکم در رژیم جمهوری اسلامی ایفاء کرده است، فراموش نکرده است. اگر حتی ما همه گذشته سیاه علی نژاد را هم در نظر نگیریم و فراموش کنیم که این عنصر دست ساز، چه خدماتی به نظام جمهوری اسلامی کرده است، فقط آخرین دیدار او با مایک پامپئو - وزیر امور خارجه دولت ترامپ، کافیت تا به ماهیت و اهداف پلید او پی ببریم. مایک پامپئو نماینده بخشی از حاکمیت امریکا است که به مثابه یکی از هارترین و زن ستیز ترین دولت های معاصر در دنیا مورد نفرت جهانیان می باشد. ولی نماینده خود خوانده جنبش زنان ایران (مسیح علی نژاد) با دیدار و مذاکره با این شخص مرتجع، شکایت از حجاب اجباری در ایران را نزد جلالانی می برد که امروز سخت ترین قوانین را علیه زنان امریکا به کار گرفته اند. علی نژاد از جانیانی طلب آزادی برای زنان ایران را دارد که حق سقط جنین زنان - که با مشقت و سالها مبارزه توسط زنان آزادیخواه در این کشور به دست آمده - را نفی می کنند، از جانیانی که هزاران کودک مهاجر را در مرزهای امریکا از آغوش مادران شان ربودند، خواستار حمایت از زنان ایران می باشد!! تقاضای به رسمیت شناختن حقوق زنان ایران از چنین جلالان و مرتجعینی، اوج فریبکاری و رذالت علی نژاد و شرکاست که امروز عده ای واداده و فرصت طلب تحت پوشش مخالفت با تفرقه افکنی بین مردم (بخوان تبعیت از شعار ارتجاعی "همه با هم" خمینی)، دانشجویان مبارز ما را برای خط کشی اصولی و انقلابی با این عنصر وقیح و فریبکار سرزنش می کنند و برایشان نصیحت های پیروی از "مدنیت" را ردیف می نمایند.

علی نژاد هدفی جز به بیراهه بردن جنبش زنان ایران در سر ندارد و دردها و مشکلات بی شمار زنان ایران برای علی نژاد دستاویزیست برای کسب امکانات بیشتر از امپریالیست ها. از این رو موضع گیری قاطعانه دانشجویان آگاه و مبارز نه تنها اصولی بلکه امری قابل تقدیر می باشد.

بنرها و فریادهای حق طلبانه دانشجویان نشان داد که مبارزات قهر آمیز و انقلابی مردم ما امریست ضروری و اجتناب ناپذیر که ارتجاع با هیچ ترفندی نمی تواند آن را نفی کند و به واقع "دیگه تمومه ماجرا". دانشجویان مبارز نشان دادند که علی نژاد نه تنها نماینده مبارزات زنان علیه حجاب اجباری نیست، بلکه مهره سیاست گذاری های قدرتهای امپریالیستی و رسانه های وابسته شان می باشد که ۴۰ سال در مقابل تمامی سرکوب های جمهوری اسلامی علیه زنان نه تنها سکوت اختیار کرده بودند، بلکه از حامیان این رژیم جنایتکار نیز بوده و هستند. در ۴۰ سال گذشته نهادهای "حقوق بشری" با تئوری "نسبیت فرهنگی"، حجاب و قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی را توجیه می کردند. در حالی که زنان مبارز ایران در تمام این دوران، بدون کوچک ترین حمایتی از سوی این

نهادهای وابسته به قدرت های امپریالیستی، علیه قوانین ضد زن و حجاب اجباری جمهوری اسلامی به مثابه سمبل اسارت و انقیاد مبارزه کرده و می کنند و اعتراضات اخیر دانشجویان مبارز همراه با طرح شعار های رادیکال نشان داد که دانشجویان مبارز و آگاه و زنان تحت ستم ایران، نیاز به "ناجیانی" مثل علی نژادها و اربابان شان ندارند و اجازه نمی دهند که مبارزات زنان ایران طعمه سیاست های امپریالیستی گردد.

اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۸ - می ۲۰۱۹